

رسالت و نقش دانشگاه اسلامی در تمدن‌سازی و تولید علم دینی

اکبر فرجی ارمکی*

چکیده

این مقاله به تحلیل نقش و جایگاه دانشگاه‌های ایران در تولید علوم و فنون درونزا و بومی می‌پردازد. لذا ابتدا تاریخچه‌ای از تحولات تاریخی مراکز آموزش عالی و کارکرد آنها را در دهه‌های اخیر ذکر کرده، سپس به سیر تحولی آن در جهت منطبق نمودن دانشگاهها با شرایط و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران از جمله: تحولات ساختاری بعد از انقلاب اسلامی، بحث ستاد انقلاب فرهنگی، قوانین توسعه و چشم‌انداز بیست ساله که همه به نوعی الزاماتی برای دانشگاهها جهت منطبق نمودن رسالت، کارکرد و ساختار خود با نیازهای جامعه و ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی جامعه ایرانی محسوب می‌شوند می‌پردازد. در پایان نیز نموداری سیستمی از این مؤلفه‌ها و نتایج به دست می‌دهد.

واژگان کلیدی: دانشگاهها، تولید علم، سیاست، برنامه‌ها، تحولات ساختاری، دیدگاه سیستمی.

* تاریخ دریافت: ۸۷/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۰۴/۱۰

مقدمه

بی‌شک علم، یکی از قوی‌ترین عناصر تمدنی در عصر حاضر به شمار می‌رود. اگر جامعه‌ای در این ناحیه نتواند دیدگاه‌های مفید، جذاب، موجّه و کارآمد ارائه کند، نمی‌تواند احیاگر تمدن خود باشد. تمدن‌ها نیاز به ساخته شدن و ترمیم در طول تاریخ دارند و در بعضی اوقات ممکن است توسط تمدن‌ها و فرهنگ‌های نوظهور دیگر به چالش کشیده شوند. بازسازی و مرمت اجزای تشکیل‌دهنده فرهنگ‌ها و تمدن‌ها وظیفه منادیان و اندیشمندان آنهاست. تمدن‌ها به وجود می‌آیند، اعتلا می‌یابند، دچار ضعف می‌شوند و رو به افول می‌گذارند. پایدار ساختن یک تمدن در نقطه اوج و اهتزاز، نیازمند توجه، بررسی و تقویت عناصر سازنده است.

تمدن اسلامی - ملی کشور کهن و ریشه دار ایران از مهم‌ترین، قدیمی‌ترین و پویاترین تمدن‌های بشری در طول تاریخ بوده است. یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده این تمدن که بر سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری پیشی گرفته و پیشینه نظری و اعتقادی پرمایه‌ای، هم در بعد زمینی و هم در بعد آسمانی دارد، علم و دانش است. تاریخ علمی تمدنی ایرانی - اسلامی از وجود مدارس، مکتبخانه‌ها و حوزه‌های علمی و فرهنگی حکایت دارد که البته این نهادها جز با حمایت و همراهی رهبران و اندیشمندان این کشور نمی‌توانستند شکل بگیرند. ایرانیان از دیرباز به علم‌دوستی و دانایی محوری شهره بوده‌اند و در شکل‌گیری تمدن عظیم اسلام نیز نقش به‌سزایی داشته‌اند. ورود اسلام به حوزه‌های تمدن ایرانی و وحدت و هم‌اندیشی این دو حوزه تمدنی بزرگ، کلیت منسجمی ساخت که اندیشه بشری در طول تاریخ حتی نتواسته بود ابعاد و بنیانهای آن را به تصور در آورد.

در توسعه، پویایی، بازیابی و بازسازی این تمدن و هویت بزرگ، دانشگاه‌ها که نهاد مدرن تولید علم و جنبش نرم‌افزاری هستند، نقش اساسی و کلیدی ایفا می‌کنند. از درون دانشگاه و توسط نخبگان علمی است که پایه‌های نظری تمدن، توجیه مناسب نظری می‌یابند.

بازآفرینی، مرمت، حفظ و پویایی این تمدن کهن در عرصه جدید، رسالتی است که امروزه بار عظیم آن بر شانه‌های دانشگاه و قشر فرهیخته دانش‌پژوهان قرار گرفته است. دانشگاه به عنوان نهادی که علاوه بر کارویژه علم‌آموزی دغدغه‌هایی فراتر از مرزهای تنگ علم دارد،

تمام ابعاد آفرینش‌گری انسان را - از جمله علم، هنر، صنعت و ... - مورد مذاقه قرار می‌دهد. تعریفی جدید از مفهوم آکادمی و مدرسه می‌تواند پاسخگوی مقتضیات تاریخی عصر فرهنگ باشد. تنها در پرتو این تعریف جدید از دانشگاه است که می‌توان تمدن ایرانی - اسلامی را احیا کرد. «دانشگاه تمدن‌ساز» بازتعریفی از جایگاه و کارویژه دانشگاه بر اساس ضرورت‌های تاریخی عصر جدید است.

مفهوم‌شناسی تمدن و نقش دانشگاهها

تمدن از واژه لاتین Civilis، معادل کلمه Poleis یونانی قدیم، گرفته شده است. Civilization (تمدن) اسم مصدر Civiliser؛ یعنی متمدن کردن می‌باشد. یونانی‌های باستان با این کلمه نشان می‌دادند که شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که سازنده شکل برتری از زندگی است. برخی معتقدند که این واژه از ریشه‌ای لاتین و به معنای شهر اخذ شده است، اما معنای یکسانی برای همگان ندارد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۷). در ادبیات فارسی علاوه بر تعریف یاد شده تمدن، به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی - اقتصادی، دینی، سیاسی و ... نیز گفته شده است. در جای دیگر، تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان ذکر شده است. ولی فرهنگ اسم مرگی است که ریشه اوستایی دارد و از دو قسمت «فر» و «هنگ» تشکیل شده که قسمت اول پیشوند و قسمت دوم به معنای کشیدن و فرهیختن است. بنابر این، فرهنگ؛ یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن. (آدمی ابرقویی، ۱۳۸۶، ص ۴)

هر نظام آموزشی بر اساس جغرافیای خاص خود و نیازها، پیشینه تاریخی نظامها و ارزشهای موجود در جامعه مفهوم می‌یابد. وارد کردن بی‌کم و کاست نظام آموزشی یک جامعه به جامعه دیگر که وضعیت تاریخی، فرهنگی و ارزشی متفاوتی دارد، منجر به شکل‌گیری یک نظام غیر کارآمد می‌شود.

دانشگاه در تمام دنیا، خاستگاه اندیشه‌ها و طرحهای نو است. دانشگاه پویا و فعال و شاداب، ابزارها و اندیشه‌های ترقی‌آفرین را خلق می‌کند و می‌تواند در رشد فرهنگ، اجتماع و اقتصاد مؤثر باشد و چنانچه رسالت واقعی خود را انجام دهد و این امر مداوم باشد، می‌تواند به رشد

تولید علوم و فنون بومی و توسعه تمدن‌ها کمک کند. لازمه ایفای نقش از سوی دانشگاه‌ها حضور شخصیت‌های نو اندیش در دانشگاه و ارتباط آن با حوزه‌های مختلف اندیشه، علم و فن آوری است. متأسفانه رویکرد امروزی دانشگاه‌های ایران در زمینه نوآوری، بیشتر معطوف به علوم تجربی و فن آوری جدید است و علوم انسانی مورد غفلت واقع شده است. به طوری که اندیشه‌های نو در حوزه علوم انسانی در خارج دانشگاه بیشتر رشد می‌کند تا در خود دانشگاه. با توجه به سرعت پیشرفت و تحول در عرصه‌های علمی و فرهنگی در جهان، نباید از اهمیت علوم انسانی که نقش مادر لوم و مبانی را دارد، غافل شد؛ زیرا تلاقی و رویارویی جامعه و دانشگاه با اندیشه‌ها و سؤالات نو ضروری است و باید در دانشگاه ضمن مطالعه و فهم هر پدیده‌ای، به نقد و بررسی آن هم همت گماشت و وجوه مثبت آن را پذیرفت. این ارتباط تنگاتنگ دانشها با جامعه و از جمله فرهنگ جامعه، باعث شد تا کشورهایی که در معرض وابستگی‌های سیاسی، اجتماعی، صنعتی و... هستند، به دفاع از ارزشهای فرهنگی جامعه خود برخیزند.

سیاست آموزشی هر جامعه نمی‌تواند جدا از فرهنگ و سابقه تمدنی و مکتب و سنت علمی آن باشد و به رشد هم برسد. نظام آموزشی باید جهان‌بینی و قالبهای فکری جامعه را درک کرده، در برقراری ارتباط و سازگاری با آن بکوشد. نظام آموزشی دانشگاهی هر جامعه‌ای در ارتباط تنگاتنگ با حوزه فرهنگی و تمدنی آن جامعه قرار دارد. (همان، ص ۵)

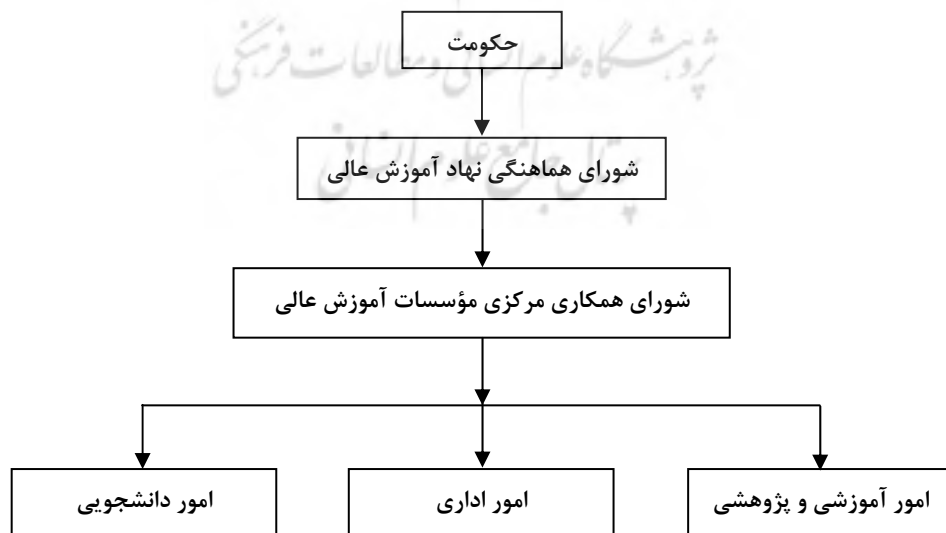
تحولات دانشگاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نظام دانشگاهی تا حد زیادی به عرصه منازعه نیروهای اسلامی و غیر اسلامی که حاصل پرورش برخی تحصیل کردگان غرب بود، تبدیل شد. در این شرایط، رسالت دانشگاه و فضای آن نه علمی و نه فرهنگی، بلکه یک کارکرد سیاسی انقلابی و پرشور و پر تنش بین نیروهای مسلمان و نیروهای مخالف پیدا کرده بود. تداوم این روند باعث شد تا امام خمینی (ره) در پیام نوروزی سال ۱۳۵۹ بر لزوم ایجاد تحول بنیادی در نظام دانشگاهی کشور تأکید کند و به دنبال آن، دانشجویان مسلمان بر توقف موقت

فعالیت‌های آموزشی اصرار کردند تا در طی آن، به اصلاحات اساسی برای پایان دادن به اوضاع نابسامان فرهنگی، سیاسی و آموزشی و طرد گروه‌های سیاسی آشوبگر و مخالف بپردازند. لذا در ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ با تصمیم ستاد انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها تعطیل شدند. در پی صدور فرمان امام (ره) ابتدا یک تشکل با نام ستاد انقلاب فرهنگی شروع به کار کرد و سپس همین ستاد، تبدیل به شورای عالی انقلاب فرهنگی شد تا به عنوان یک سازمان متمرکز، به طور جدی‌تر فعالیت فرهنگی و علمی دانشگاه‌ها را پی‌ریزی و پایه‌گذاری کند.

در تیر ماه ۱۳۵۸ طرح قانون استقلال دانشگاه‌ها برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارسال شد که مفاد آن عبارت بودند از:

۱. تأکید بر استقلال مالی، اداری، آموزشی و پژوهشی مؤسسات آموزش عالی؛
 ۲. اداره مؤسسات آموزش عالی از طریق شورایی به نام «شورای همکاری مرکزی»؛
 ۳. تشکیل شورای «هماهنگی مؤسسات آموزش عالی کشور» برای هماهنگی طرح‌های آموزشی و پژوهشی؛
 ۴. تلقی شورای هماهنگی مؤسسات آموزش عالی کشور به عنوان مهم‌ترین قدرت تصمیم‌گیری نظام آموزشی عالی کشور. (عباسی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۵۳)
- هرم تشکیلاتی ترسیم شده به قرار زیر بود: (همان، ص ۵۳)



به فرمان حضرت امام (ره) ستاد انقلاب فرهنگی ضمن شکل‌گیری، موظف بود زمینه تحول و اسلامی شدن دانشگاهها و دگرگون‌سازی اوضاع را ایجاد کند. فعالیت ستاد باید برای همیشه مشکل سیاسی دانشگاهها را از بین ببرد و شکل و محتوای علمی و پژوهشی دانشگاهها را در زیر سایه تدبیر و اسلامیت فراهم کند.

یکی از اهداف مورد نظر از تعطیلی دانشگاهها، تعدیل وضع سیاسی موجود و توجه و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی در آموزش عالی بود. زیرا از سویی دانشگاهها عرصه مبارزه سیاسی بین گروهها شده بود و از سوی دیگر، بیگانگی برنامه‌های دانشگاهی با معارف و فرهنگ اسلام و عدم توجه به نیازهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه و نیز نداشتن مدیریت صحیح و نبودن امکانات کافی آزمایشگاهی، کیفیت علمی - آموزشی دانشگاهها را پایین آورده بود.

ستاد انقلاب فرهنگی تلاش کرد تا ضمن برنامه‌ریزی و درک نیازمندی‌های جامعه، به طرح برنامه‌ها و پروژه‌های علمی - تحقیقاتی و تدوین محتوای آموزشی برای پاسخگویی به نیازها بپردازد؛ از جمله اقدام به تأسیس دفتر همکاری دانشگاه و صنعت جهت برقراری تعادل و توازن آموزش و پژوهش دانشگاهی با نیازها و الزامات جامعه که این از وظایف نظام نوین دانشگاهی پس از پیروزی انقلاب بود. اساساً بعد از انقلاب اسلامی سعی شد زمینه و بستری فراهم شود تا دانشگاهها در خدمت جامعه اسلامی ایران قرار بگیرند که برخی از زمینه‌ها در ادامه ذکر خواهند شد.

مبانی و بستر دانشگاه جامعه‌نگر و تولیدکننده علوم و فنون بومی

الف) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در مقدمه قانون اساسی به موارد ذیل تأکید شده است:

«رسالت قانون اساسی این است که زمینه و شرایطی را به وجود آورد که در آن، انسان با

ارزشهای والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد.»

«... هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی‌الله

المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید.»

«قانون اساسی زمینه چنين مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم گیری های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندر کار و مسئول رشد و ارتقا و رهبری گردد...».

بندهای یکم، دوم و چهارم از اصل سوم مبنی بر ضرورت:

«ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی»؛

«بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها»؛

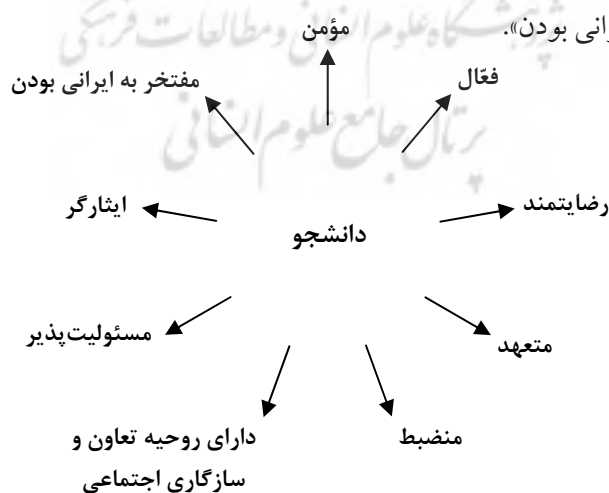
«تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی».

ب) سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران

در زمینه علمی: نهضت نرم افزاری و تولید علم؛

در زمینه فرهنگی: تقویت روحیه ایمان و ایثار در مسئولین و مردم، تبیین مبانی ارزشی و قانون اساسی؛

ویژگی های فرد ایرانی در افق ۱۴۰۴ بر اساس چشم انداز بیست ساله که دانشجویان مصادیق بارز آن خواهند بود: «فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه، تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن».



رسالت و نقش دانشگاه اسلامی در تمدن‌سازی و تولید علم دینی ❖ ۷۱

سیاست‌های کلی چشم انداز در قسمت امور فرهنگی که وزارت علوم از مجریان اصلی آن به شمار می‌رود:

- اعتلا و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی بر اساس تعالیم قرآنی و مکتب اهل بیت(ع)؛
- نمایان نگاه داشتن اندیشه دینی و سیاسی امام (ره) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها؛
- ایجاد انگیزه و عزم ملی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در افق چشم انداز؛
- تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ و تمدن و هنر ایرانی اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی؛
- سالم‌سازی فضای فرهنگی و اطلاع‌رسانی مناسب برای تحقق ویژگی‌های مورد نظر در افق چشم انداز؛
- مقابله با تهاجم فرهنگی؛
- اصلاح نظام آموزشی کشور شامل آموزش و پرورش، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی در جهت تحقق اهداف چشم انداز بیست ساله.

ج) شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورا طی چندین مصوبه و طرح در خصوص مسائل آموزش عالی و اسلامی شدن دانشگاهها، به هدایت کلی و سیاستگذاری در زمینه برنامه‌های فرهنگی دانشگاهها پرداخته است:

الف) تشکیل شورای اسلامی شدن دانشگاهها به تبعیت از اوامر مقام رهبری و بر اساس مصوبه جلسه ۴۰۲ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۴ که منجر به تصویب آیین‌نامه شورای اسلامی شدن در جلسه ۴۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۳ شد.

ب) در بخش سیاستهای راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزشی مصوب شورای مزبور آمده است:

«شورا پس از بحث‌های فراوان، مؤلفه‌های دانشگاه را در قالب شش مؤلفه استاد، دانشجو، نظام برنامه‌ریزی فرهنگی، متون و برنامه‌ریزی درسی، نظام برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی و مدیریت، تعریف و ذیل هر کدام از آن مؤلفه‌ها سیاستهایی را به عنوان راهبرد، طراحی و تدوین و تصویب کرده است». برخی از این سیاستهای راهبردی به قرار ذیل می‌باشند:

۱. گسترش و تقویت ایمان و اعتقاد اسلامی، تهذیب و تزکیه نفس و اعتلای عقلانی و

علمی دانشجویان؛

۲. تقویت روحیه آرمان‌گرایی، کمال‌جویی، آزادگی، ایثارگری، مشارکت‌جویی،

نقادی، حقیقت‌جویی و تشویق و تقویت احساس مسئولیت اجتماعی دانشجویان؛

۳. ارتقای سطح دانش و بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان و تجهیز آنها با توانایی‌ها و

قابلیت‌های مورد نیاز برای تحلیل مسائل جامعه و جهان در جهت تحقق آرمانهای اسلامی؛

۴. قانونمند کردن فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی دانشجویان به منظور فراهم آوردن

محیطی سالم و آزاد و مطمئن برای بحث و گفتگو و تحرک و ارتقای اندیشه دینی؛

۵. حل مشکلات اجتماعی و معیشتی دانشجویان به منظور فراهم آوردن بستر لازم برای

فعالیت‌های علمی، فرهنگی و دینی آنان؛

۶. ارتقای سطح دانش و معرفت دینی، سیاسی و اجتماعی استادان متناسب با رشته

تحصیلی، علایق و تجارب آنان؛

۷. احیا و حفظ و ترویج اصیل اسلام در محیط‌های علمی با استفاده از روش‌های کارآمد

و هماهنگ با شئون محیط‌های علمی؛

۸. زمینه‌سازی به منظور ایجاد توانایی بحث و گفتگو و نقد و ارزیابی سایر فرهنگها و

تمدن‌ها؛

۹. توجه به مقتضیات زمان و نیازها و علایق و رشته‌های تحصیلی دانشجویان در

برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و ارائه چهره‌ای متین و جذاب از آرمانها و ارزشهای اسلامی؛

۱۰. توجه به حفظ عفاف در مراکز آموزشی، به ویژه تنظیم روابط بین دانشجویان دختر و

پسر؛

۱۱. نظارت و ارزیابی هدفمند و مستمر برنامه‌های فرهنگی؛
۱۲. توجه به نقش الگویی استادان در رفتارسازی دانشجویان و الگوسازی بر اساس آن نقش از طریق شناسایی و معرفی و تشویق مدیران، استادان، دانشجویان و کارمندان شایسته بر اساس شاخصه‌های مدیریت در نظام اسلامی.
- ج) برخی از سیاستهای اجرایی مصوب به منظور تحقق سیاستهای راهبردی:
 ۱. طراحی و بهره‌گیری از روشهای دقیق علمی و کارآمد برای ترویج غیر مستقیم معارف و ارزشهای دینی و تعمیق آنها؛
 ۲. تقویت تشکلهای متنوع علمی، دینی فرهنگی و صنفی دانشجویان به منظور افزایش نشاط و تحرک و مشارکت آنها؛
 ۳. تعظیم شعائر مذهبی برای اعتلای روح دین‌باوری و احترام به ارزشهای مذهبی متناسب با فضای علمی و فرهنگی دانشگاه؛
 ۴. حمایت مادی و معنوی و پشتیبانی از ابداع، ابتکار و خلاقیت‌های علمی، هنری و فرهنگی؛
 ۵. طراحی و اجرای برنامه‌های هدفمند فرهنگی، اجتماعی و فوق برنامه در قالب فعالیتهای مشارکتی؛
 ۶. معرفی چهره‌های پر تلاش و موفق در حوزه‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی متناسب با شرایط روز و محیط‌های دانشگاهی؛
 ۷. انجام مطالعات و تحقیقات مستمر برای ارتقای ارزشها و بازآفرینی سنتهای ملی و مذهبی و انقلابی وفق نیاز و متناسب با اقتضائات نوین؛
 ۸. حمایت مادی و معنوی و قانونی از دانشجویان فعال و موفق در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اسلامی؛
 ۹. تشویق و تأیید دانشجویان نمونه در فعالیتهای علمی، فرهنگی و اجتماعی؛
 ۱۰. آموزش و ترویج روشهای علمی برای ارتقای دانش و تعمیق بینش و اخلاق سیاسی، فرهنگی و اسلامی؛

۱۱. تشویق پژوهشهای علمی در مورد انقلاب اسلامی و مسائل جهانی مرتبط با آن؛
 ۱۲. بسترسازی مناسب برای تبادل آزاد اطلاعات و اخبار مورد نیاز برای تحلیل مسائل جامعه و جهان به منظور تحقق آرمانهای اسلامی؛
 ۱۳. تلاش برای افزایش قدرت نقد و دوری از سطحی‌نگری در میان دانشجویان؛
 ۱۴. وضع قوانین و ضوابط مناسب برای فعالیتهای فرهنگی و سیاسی؛
 ۱۵. ترویج و تقویت روحیه قانون‌گرایی در میان دانشجویان و تشکلهای و نهادهای دانشجویی؛
 ۱۶. به رسمیت شناختن تشکلهای مختلف با سلايق و گرایشهای متنوع و متکثر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دانشگاه و در چارچوب قوانین و مقررات؛
 ۱۷. تأمین فضای امن، مطمئن و سالم برای طرح بحثهای فرهنگی، اجتماعی و دین‌شناسی؛
 ۱۸. هدایت فعالیتهای فرهنگی و سیاسی به سمت ایجاد وحدت، همدلی و اخوت ایمانی؛
 ۱۹. زمینه‌سازی مناسب برای ارتباط متقابل و گفتگوی همدلانه دانشجویان دانشگاهها با طلاب علوم دینی.
- د) سیاستهای ارتقای فعالیتهای فرهنگی در دانشگاهها (مصوب جلسه ۵۳۱ مورخ ۸۲/۱۰/۹ شورا):
- در ذیل بند الف مصوبه مذکور تحت عنوان اصول حاکم آمده است:
 ۱. تبیین و معرفی اصول و ارزشهای اسلامی و دفاع از آرمانهای جمهوری اسلامی ایران؛
 ۲. تقویت و گسترش روحیه تعهد به کشور، خدمت به مردم و استقلال فرهنگی؛
 ۳. معرفی فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران؛
 ۴. اهتمام و اولویت بخشیدن به فعالیتهای فرهنگی و دینی؛
 ۵. بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن دینی و ملی؛
 ۶. تقویت عناصر مثبت فرهنگی از قبیل تفکر و قدرت نقادی، خودباوری، امید به آینده، احترام به حقوق دیگران، نظم‌پذیری، وجدان کاری و احترام با قانون؛
 ۷. رعایت موازین و احکام اسلامی در فعالیتهای فرهنگی و هنری.

د) قانون برنامه چهارم توسعه فرهنگی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

الف) ماده یک قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری:

«به استناد ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۷۹/۱/۱۷ وظایف وزارت علوم،

تحقیقات و فن آوری به شرح ذیل تعیین می‌گردد:

۱. توسعه علوم، تحقیقات و فن آوری - تقویت روحیه تحقیق و تتبع و ترویج فکر خلاق

و ارتقای فرهنگ علم‌دوستی؛

۲. اعتلای موقعیت آموزش علمی و فنی کشور؛

۳. تعمیق و گسترش علوم، معارف، ارزشهای انسانی و اسلامی و اعتلای جلوه‌های هنر و

زیبایی بر اساس تمدن اسلامی و ایرانی؛

۴. ارتقای سطح دانش و مهارت‌های فنی و توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی در

جامعه.

ب) در فصل نهم برنامه چهارم توسعه مصوب ۸۳/۶/۱۱ آمده است:

«وزارت علوم در قالب برنامه چهار ساله و به جهت بهره‌مندی از فرصت‌ها و منابع و ترسیم

اهداف و خط مشی‌ها و نیز نظارت بر فعالیتهای فرهنگی دارای اهداف و رویکردهای ذیل

است:

۱. تعمیق و گسترش آموزه‌های دینی و ارزشهای انقلاب اسلامی؛

۲. حفظ و ارتقای روحیه اسلامی و انقلابی و مشارکت قانونمند سیاسی - اجتماعی

دانشگاهیان و دانشجویان؛

۳. ترویج آداب اسلامی و فرهنگ و توجه به مکارم اخلاقی و بهره‌گیری از آن در

ارکان دانشگاه؛

۴. تقویت و توسعه همکاری بین وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری و نهاد نمایندگی

مقام معظم رهبری در دانشگاهها در حوزه مسائل فرهنگی؛

۵. استقرار نظام برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت و منابع انسانی در حوزه فرهنگی و

اجتماعی وزارت علوم و دانشگاهها.

این سرفصلهای کارشناسانه به عنوان سرلوحه فعالیت نوآوری و جامعه‌نگر آموزش عالی و متصدیان آن؛ یعنی وزارت علوم، نشان از عزم جدی مسئولان در ترقی علم و دانش و استفاده بهینه از آن جهت ترقی جامعه ایرانی بر اساس شرایط زمانی و هویت ایرانی - اسلامی دارد و باید بسترهای لازم برای اجرای این اصول و برنامه‌ها در زمینه‌های مختلف فراهم شود. این گونه است که دانشگاهها در دهه‌های چهارم و پنجم انقلاب و نیز در چارچوب سند چشم‌انداز در جستجوی تبدیل شدن به نهادهای تمدن‌ساز هستند. از طریق دانشگاههاست که می‌توان به دانشگاهها به عنوان راهبر جنبش نرم‌افزاری کشور و هدایت‌کننده علوم و تکنولوژی اثربخش امید داشت.

پیشنهادهای

۱. جهت توجه بیشتر به دانشگاهها، لازم است دانشگاهها در تعریف مأموریت خود در برنامه‌های راهبردی به کارکرد تولید علم بومی توجه خاص مبذول دارند.
۲. با توجه به نقش دانشگاه در ارتباط با نیازهای جامعه و حفظ و تقویت هویت ایرانی - اسلامی و مسئله جهانی بودن علم، باید بین کارکردهای مختلف دانشگاه از حیث تمدن‌سازی تعادلی ایجاد گردد به جهت تقدم و تأخر پژوهش که در درجه اول، جهت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری و سپس آموزش و ارائه خدمات اجتماعی به جامعه و تقویت حلقه ارتباطی صنعت و دانشگاه به اضافه کارکردهای فرهنگ‌سازی و تقویت معنوی جامعه و ظرفیت‌سازی سیاسی به ترتیب جزء کارکردهای دانشگاه تمدن‌ساز محسوب می‌شود.
۳. آسیب‌شناسی وضعیت فعلی دانشگاهها و جامعه و ارائه یک یا چند مدل اثربخش جهت برقراری ارتباط سالم بین این دو. در واقع؛ به منظور ارتقای علم و دانش و در پی استقلال کامل علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، توجه به دانشگاه باعث رشد و توسعه جامعه در همه ابعاد می‌شود و این امر در گرو آسیب‌شناسی و نقد و بررسی وضع موجود است تا کاستی‌ها و نواقص نمایان گردد و نسبت به رفع آنان اقدام شود.

۴. ارزیابی و بررسی وضعیت فعلی دانشگاه و نظام سیاسی و شناخت موانع برقراری ارتباط بهتر بین دانشگاه و نظام سیاسی و ارائه راهبرد برای رفع این موانع.
۵. ارزیابی و بررسی اوضاع استقلال و خودکفایی علمی، فنی، مالی و بودجه‌ای دانشگاهها و شناخت میزان توفیق در این امر.
۶. بررسی و توجه به نقش و عملکرد نظام مدیریتی دانشگاهها و شناخت کاستی‌ها و تجربیات مفید و ارائه راهکارهای بهتر برای حل مسائل.
۷. ارزیابی و بررسی سازمانهای علمی و پژوهشی پس از انقلاب اسلامی و تقویت وجوه مثبت و تلاش برای رفع وجوه منفی آنان؛ شامل جهاد دانشگاهی، انتشارات سمت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز نشر دانشگاهی و... .
۸. سرمایه‌گذاری بیشتر در همه ابعاد علمی و پژوهشی و تداوم موضوع طرح توسعه دانشگاهها و افزایش تعداد دانشگاهها در شهرهای دور و نزدیک.
۹. بررسی و آسیب‌شناسی وضعیت علوم انسانی؛ شامل بررسی وضعیت اساتید، دانشجویان، کتب و مواد درسی، وضع اشتغال فارغ‌التحصیلان این حوزه و تلاش برای رسیدن علوم انسانی به جایگاه واقعی خود و عدم توجه یک بعدی به علوم تجربی و فنی.
۱۰. ایجاد فضای آزادانه علمی بحث و نقد و بررسی در دانشگاهها به طوری که صاحبان تفکر در اثر نبود آزادی علمی به انزوا روی نیاورند و کالاها و سرمایه‌های فکری خود را پنهان ندارند. آثار این امر وخیم است چون خود به خود، جامعه از آن سرمایه‌ها بی‌نصیب می‌شود و به تدریج این سرمایه‌ها در اختفا می‌مانند.
۱۱. مؤسسات آموزشی به دور از جهت‌دهی سیاسی و ملاحظات ایدئولوژیک می‌توانند در تحقق کارکرد علمی و فرهنگی خود گام بردارند و محصولاتی متناسب با نیازهای جامعه تولید کنند و در اختیار افراد جامعه قرار بدهند. ولی هر گونه گرایش فرهنگی رسمی در جهت‌دهی و نمونه‌ایفای نقش مؤسسات آموزشی باعث می‌شود که آنان به وظیفه واقعی خود نپردازند. رسالت‌های واقعی دانشگاه؛ توسعه اقتصادی و اجتماعی، توسعه فرهنگی و حفظ و

تحکیم باورها و ارزشها و فرهنگ جامعه و بازآفرینی فرهنگی و فرهنگ‌سازی و نهادی برای ابتکار و خلاقیت و منشأ تغییر و تحولات و جهت‌دهنده به تحولات اجتماعی است.

۱۲. نظام آموزشی باید با تغییرات اجتماعی و مقتضیات زمانی منطبق شود و دنباله‌رو تغییرات اجتماعی باشد و گر نه منفعل می‌شود و در مقام و جایگاه انتقال‌دهنده صرف میراث فرهنگی مطرح می‌گردد. تداوم حیات دانشگاه در گرو تلاش مستمر برای انطباق خود با شرایط دائماً در حال تحول است تا جایگاه مناسب با اهداف خاص خود را دریابد.

۱۳. دانشگاه همواره باید به دنبال ثبات و آرامش از نوع مثبت باشد تا تداوم این امر با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مدت و مدیریت کارآمد و صحیح، منجر به تحولات بنیادین و تمدن‌ساز از دانشگاهها گردد. در یک جامعه متلاطم با دانشگاهی ایستا و وابسته به آموزشهای قدیمی و سنتی یکنواخت، دانشگاه نمی‌تواند نقش خود را در توسعه پایدار ایفا کند. اهتمام به رشته‌های بین رشته‌ای در این مقوله از اهمیت و جایگاه تعیین‌کننده و بسزایی برخوردار است.

۱۴. مطالعات و پژوهشها باید از مدرک لیسانس به بعد مورد تشویق و حمایت جدی واقع شوند.

۱۵. حفظ رابطه معقول جامعه و دانشگاهها لازم است؛ به طوری که امروزه از دانشگاه خواسته می‌شود که فعالیتهایش را در زمینه‌های تولید علم، توسعه فن آوری و مقابله با مواردی چون فقر، تعصب، خشونت، بی‌سوادی، تخریب محیط زیست، بیماری و ... افزایش دهد.

هر گونه تحقیق و بررسی علمی و کارشناسی در باب دانشگاه و نظام آموزشی از آن جهت حائز اهمیت است که این نهاد مدرن، تولید‌کننده علم و دانش است و به جامعه قدرت می‌دهد تا در جهت ترقی فرهنگ و اقتصاد و سیاست و اجتماع گام بردارد و تداوم این روند به شکل‌گیری تمدن کمک کند. دانشگاههای ایران نیز از این قاعده مستثنا نیستند. درست به همین دلیل است که در عصر جمهوری اسلامی بایستی با دانشگاههای متعدد و باکیفیت در جستجوی ساخت و تأسیس تمدنی نوین بود. ان شاء الله

ارائه مدل سیستمی از کارکردهای مهم دانشگاه با تأکید بر تئوری‌پردازی علوم و تکنولوژی بومی

برونداها	فرایندهای کاری	درون‌دادها
<ul style="list-style-type: none"> - متخصصان متعهد تمدن‌ساز و خلاق - علم و فن‌آوری مبتنی بر نیازها و شرایط تمدنی ایرانی و اسلامی - خدمات انجام شده به بخشهای مختلف جامعه با توجه به نیازهای تمدنی - تمدن و جامعه متمدن - علوم و فن‌آوری آماده ارائه به جامعه در راستای توسعه ملی درونزا 	<ul style="list-style-type: none"> پژوهش‌های نیازمحور با توجه به موقعیت تاریخی و تمدنی ایرانی اسلامی آموزش مؤثر دانشجویان برخاسته از نتایج پژوهشها و تحقیقات خدمات اجتماعی متناسب با نیازهای جامعه و تقویت روابط دانشگاه با بخشهای مختلف جامعه فرهنگ‌سازی و توسعه معنویت در دانشگاه و در نتیجه جامعه استفاده بهینه از ظرفیت‌های سیاسی جهت ایجاد فضای سیاسی مناسب در جامعه 	<ul style="list-style-type: none"> - دانشجویان - اساتید مؤمن و با کفایت از حیث علمی - منابع و امکانات و تجهیزات کافی برای آموزش و پژوهش - مدیران دانشگاه - هر متخصص و مؤمن به آرمانهای جامعه اسلامی ایرانی - برنامه‌های درسی مبتکرانه و نیازمحور (فراگیران و جامعه) - برنامه‌ریزی مبتنی بر نیازهای جامعه - محیط مناسب دانشگاه از نظر معیارهای اجتماعی اسلامی - سیاستهای علمی- پژوهشی و آموزشی مبتکرانه و توسعه‌دهنده جامعه و دانشگاه
تولید علم و فن‌آوری		

منابع

۱. آدمی ابرقویی، علی (۱۳۸۶)؛ دانشگاه تمدن ساز؛ ضرورت تاریخی عصر جدید، سند اهداف، راهبردها و برنامه‌های معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
۲. احمدزاده، میرحواس (۱۳۸۶)؛ علم، دانشگاه و تمدن‌سازی، سند اهداف، راهبردها و برنامه‌های معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
۳. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۶)؛ «دانشگاه، تمدن ساز نوین اسلامی - ایرانی»، نشریه منشور، شماره ۱۴۰.
۴. دانشگاه اسلامی؛ رسالتها، اصول و راهبردها (۱۳۸۰)؛ تهران، دبیرخانه شورای اسلامی شدن مراکز اسلامی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
۵. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان (۱۳۷۷)؛ تهران، روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)؛ دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
۷. عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۸۶)؛ دانشگاه تمدن ساز، تمدن نوین اسلامی - ایرانی، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
۸. میرزا محمدی، محمدحسن و صحبت‌لو، علی (۱۳۸۶)؛ «اهداف دانشگاه اسلامی»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال یازدهم، شماره ۱.